

تأثیر شهرک های صنعتی بر توسعه اجتماعی - اقتصادی در ایران (مورد مطالعه منطقه عشایری مسجد سلیمان*)

رضا نوبخت^۱، دکتر سروش فتحی^۲، حبیب اله کریمیان^۳

چکیده

ایجاد شهرک های صنعتی در مناطق کمتر توسعه یافته کشور در دو دهه اخیر مورد توجه برنامه ریزان توسعه بوده که در بسیاری از نقاط کشور ایجاد شده است. این شهرک ها اثرات اجتماعی - اقتصادی قابل توجهی بر این مناطق گذاشته و منجر به ایجاد تغییر در زندگی مردم شده است. یکی از مناطقی که تحت تاثیر این برنامه قرار گرفته منطقه عشایری مسجد سلیمان است که با توجه به ماهیت عشایری بودن آن ایجاد شهرک صنعتی شیوه معیشت و به تبع آن سایر ابعاد زندگی مردم این منطقه را تحت تاثیر قرار داده است. این مقاله در صدد بررسی تاثیرات اقتصادی و اجتماعی این شهرک صنعتی بر زندگی مردم است. روش تحقیق پیمایشی و میدانی بوده، اطلاعات از طریق پرسشنامه و مشاهده گردآوری شده است. جامعه آماری این تحقیق افراد منطقه عشایری مسجد سلیمان، منطقه اندیکا و لالی شامل می شد، که با استفاده از فرمول کوکران ۶۰۰ نفر انتخاب شدند، نمونه گیری به روش نمونه گیری سهمیه ای انجام شد.

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که ایجاد شهرک صنعتی الگوی زندگی افراد این منطقه را تغییر داده به گونه ای که شیوه معیشت مبتنی بر زندگی عشایری را رها کرده و با یکجا نشین شدن شیوه زندگی جدیدی را تحت تاثیر شهرک صنعتی آغاز کرده اند. مردم این منطقه با اشتغال در شهرک صنعتی علاوه بر موقعیت و درآمد بهتر از امکانات رفاهی، بهداشتی، خدماتی، عمرانی، جاده و راه و مراکز آموزشی برخوردار گردیده اند که این امر باعث ارتقا در سطح زندگی آنها گردیده است.

واژه های کلیدی: شهرک های صنعتی، توسعه صنعتی، اثرات اجتماعی و اقتصادی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴

* مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رضا نوبخت در رشته جامعه شناسی تحت عنوان بررسی تاثیرات اجتماعی - اقتصادی شهرک صنعتی منطقه عشایری مسجد سلیمان به راهنمایی

دکتر سروش فتحی و مشاوره حبیب اله کریمیان در سال ۹۲ دفاع شده است

۱. کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

۲. گروه علوم اجتماعی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) fathi_soroush@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مقدمه

صنعت در تمام کشورهای جهان به عنوان راه حلی که می تواند بخشهای اقتصادی یک کشور را تحت تاثیر خود قرار دهد و بخش پیشتازی جهت توسعه کشورها باشد مطرح است. صنعتی شدن به عنوان یک تصمیم بزرگ برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها ضروری است. توسعه صنعتی باعث افزایش توان تولیدی و صادراتی و همچنین باعث پیشرفت مناطق مختلف یک کشور می شود که این امر باعث تقویت زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می شود. فعالیتهای صنعتی در یک کشور باعث رشد و شناسایی جهت انجام سرمایه گذاری لازم برای بهبود و پیشرفت مناطق در کشور در زمینه های اقتصادی و اجتماعی می گردد. همچنین می توان گفت این پیشرفت نیازمند برنامه ریزی لازم جهت پیشبرد اهداف مورد نظر در زمینه های مختلف را طلب می کند که این برنامه ریزی چگونگی توسعه مناطق مختلف یک کشور را مشخص می کند که خود این نیازمند هماهنگی و همسویی تمام ارکان یک جامعه جهت رسیدن به هدف مورد نظر و مشارکت تمامی اقشار و گروه های جامعه برای آن هدف که همانا توسعه مناطق است، می باشد. مشارکت کلی و گروهی چه از ارگان و نهادهای یک جامعه گرفته تا مردم مناطق باعث رونق و رسیدن به هدف عالی یک جامعه جهت توسعه می گردد. شهرک های صنعتی به عنوان یکی از عوامل صنعت نقش تعیین کننده ای در توسعه مناطق مختلف یک کشور ایفا می کند که می تواند جهت توسعه و بالا بردن سطح مناطق کمک های شایانی داشته باشد. شهرک صنعتی می تواند به عنوان پلی جهت ارتباط مناطق کمتر توسعه یافته یک کشور و شهرهای بزرگ که توسعه در آن نماینتر است باشد. همچنین شهرک صنعتی می تواند به عنوان عامل تحرکات اجتماعی و اقتصادی و همچنین انتقال منابع مالی جهت دستیابی به توسعه برای مناطق ضعیف تر مورد بررسی قرار گیرد.

"یکی از ویژگی های بارز الگوهای توسعه ای در اکثر کشورهای درحال توسعه، سرعت فاحش توسعه یافتن مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی است. به طوری که نه تنها در مناطق روستایی فاصله ای چشمگیر در زمینه سرمایه گذاری و تولید به چشم می خورد، بلکه از حیث مسائل فرهنگی و اجتماعی نظیر آموزش، سلامتی و امنیت اجتماعی که همه جز پیش شرط های توسعه انسانی هستند نیز دارای عقب ماندگی های فاحشی نسبت به مناطق شهری هستند. این وضعیت مهاجرت های بی رویه روستا- شهری را در این کشورها به دنبال داشته است که خود مقدمه ای برای مشکلات فراگیر اجتماعی و اقتصادی به ویژه ای در مراکز شهری بوده است. به طور خلاصه فقر، پایین بودن درآمد، بیکاری و به تبع آن مهاجرت از مهم ترین چالش های پیش روی جامعه روستایی است. راه اندازی و گسترش صنایع روستایی با توجه به نقش موثری که می توانند در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا کنند، یکی از مهم ترین و اساسی ترین راه حل ها برای غلبه بر معضلات مناطق روستایی محسوب می شود" (ازکیا، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

ورود صنعت و تکنولوژی باعث به وجود آمدن درجه ای جهت پیشرفت و تحول در کشورهای عقب مانده گردیده است. با آشنایی این کشورها به صنعت و استفاده از تجربه های کشورهای دیگر توانسته اند به رشد و توسعه خود جهت بهره مند شدن از این امکانات کمک کنند. امروزه می توان صنعت را به عنوان اصلی ترین ابزار در توسعه و به خصوص توسعه مناطق عقب مانده دانست که نقش محوری را به خود اختصاص داده است. به وجود آمدن کارخانجات و شهرکهای صنعتی در مناطق مختلف علاوه بر ورود تکنولوژی و صنعت به این مناطق باعث تاثیر آن منطقه از این تغییر گردیده است. این نقش شاید برخاسته از این واقعیت است که عوامل تولید در بخش صنعت در مقایسه با کشاورزی قابلیت جابجایی و انعطاف پذیری بیشتری با شرایط، اوضاع و احوال محیطی - منطقه ای و ملی دارد. همچنین می توان گفت ورود صنعت و تکنولوژی باعث ایجاد توسعه و پیشرفت در مناطق یک کشور گردد. در بحث توسعه می توان این را گفت که برآوردن نیازهای انسان نوعی توسعه است، اما می توان مشارکتهای اجتماعی و اقتصادی، ایجاد اشتغال، توزیع درآمد، تامین کالاهای ضروری و همچنین بحث های بهداشت، مسکن، آبرسانی و... را در بحث توسعه به عنوان توسعه پایدار مطرح نمود. یکی از زمینه های توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است. "پایداری اجتماعی زمانی در درون جامعه و آرایش های نهادی آن تضمین شده است که کار درون این جامعه نیازمندیهای اساسی

را تامین کند، طبیعت و ظرفیتهای بازتولید آن در درازمدت محافظت شود و مدعیان هنجاری مربوط به عدالت اجتماعی، حقوق انسان و مشارکت تحقق یابد. پایداری اجتماعی زمانی تضمین می شود که تغییرات ناشی از اقدامات توسعه ای سبب به هم ریختن امنیت اجتماعی، تخریب روابط اجتماعی سالم، ایجاد آسیب های اجتماعی، افزایش فاصله طبقاتی، اثرات ناشی از برهم خوردن نظم اقتصادی در جهات نامطلوب و تبعیض علیه گروه های حاشیه ای و ضعیف نمی شود" (فاضلی ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵).

یک برنامه ریزی مناسب علاوه بر تعیین چگونگی توسعه بخشهای مختلف اقتصادی لازم است ابعاد توسعه مناطق مختلف کشور را نیز مشخص کند، همان طور که یک نظام باید سازگاری لازم را بین بخشهای مختلف اقتصادی ایجاد کند. همچنین ضروری است همسازي را از یکسو میان مناطق و از سوی دیگر میان بخش و منطقه برقرار کند. مشارکت در تمامی بخشهای اقتصادی فعال و توجه خاص به برنامه های توسعه ای و استفاده از کلیه تواناییها و امکانات مناطق و توسعه منابع مالی و درآمدی می تواند در این جهت قرار گیرد. در حال حاضر، صنعت در شهرکهای صنعتی در ردیف بخشها و ارکان مهم اقتصاد کشور قرار دارد و توسعه اقتصادی کشورها بدون توسعه این شهرکها ممکن نیست. این توسعه می تواند مؤثرترین وسیله برای نیل به اهداف مطرح شده در چارچوب اقتصاد ملی باشد، اهدافی مانند تأمین نیازهای داخلی، ایجاد اشتغال، قدرت اقتصادی و رفاه اجتماعی، کارایی و بهره برداری بهینه از منابع اقتصادی و رشد مطلوب و همه جانبه اقتصاد ملی و نظایر آن.

اگر تمام فعالیت های اقتصادی را که با تولید کالا و خدمات با استفاده از ماشین آلات و تجهیزات ساخته دست بشر سر و کار دارد، به عنوان یک کل تصور کنیم، هر صنعت، زیرمجموعه ای از این کل است که تعداد زیادی از فعالیت های مشابه را شامل می شود. صنعت، در کنار معدن و کشاورزی تقریباً تمامی فعالیت های تولیدی یک جامعه را در بر می گیرد و نقش حیاتی در پیشرفت اقتصادی کشورها ایفا می کند. در تعریفی برای صنعت می توان گفت مجموعه تمام واحدهایی که در تولید، توزیع یا مصرف یک محصول یا یک دسته از محصولات مشابه فعالیت می کنند صنعت گفته می شود.

"در مورد تعریف دقیق صنعت، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. صنعت دارای تعریف ها و تعبیرهای متفاوتی است که بر اساس قابلیت جایگزینی محصولات، فرآیند تولید و محدوده های جغرافیایی ارایه شده اند. به طور مثال مایکل پورتر، صنعت را چنین تعریف می کند: «صنعت عبارت است از گروه شرکت هایی که محصولات آنها جایگزین نزدیکی برای هم هستند» (پورتر ۱۳۸۴: ۴۳).

"صنعتی شدن از چنان اهمیتی برخوردار است که تحقق پیشرفت های فنی و کاربرد آن در صنعت در طی سه قرن اخیر دلیل اصلی رشد و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته در جهان امروز است. کشورهای توسعه یافته هر کدام با فاصله زمانی متفاوت به مرحله صنعتی شدن رسیده و ناگهان پس از رسیدن به این مرحله جهش بزرگ خود را در توسعه انجام داده اند. در درجه توسعه یافتگی کشورهای جهان میزان فعالیت های صنعتی این کشورها و توان نیروی کار آنها در ارتقاء کمی و کیفی تولیدات می باشد و مقایسه کشورهای مختلف جهان در چند دهه اخیر از لحاظ درجه توسعه یافتگی کاملاً بیانگر ادعای مذکور است" (به نقل از قربانپور، ۱۳۸۹: ۶).

جامعه امروزی ایران با آنچه در سالهای پیش بود تفاوت های آشکار پیدا کرده است که این تفاوت ها در زندگی شهری و روستایی به چشم می خورد، شرایط زندگی شهری با پیچیدگیهای خود بر روابط میان افراد حاکمیت دارد و جوامع روستایی در بیشتر مناطق هنوز با آن دید و نگرش سنتی خود در حرکت است و از طرفی محدودیت امکانات در زمینه های سرمایه، مدیریت، نیروی کار در روستاها سبب عدم گسترش و عقب ماندگی در مناطق روستایی کشورمان شده است. ایجاد اشتغال با هزینه های پائین، ایجاد مشارکت و به حرکت در آوردن و شکوفا کردن استعداد های فکری و علمی در مناطق کمتر توسعه یافته می تواند به حرکت رو به رشد و توسعه این مناطق کمک شایان نماید. فرهنگ توسعه به عنوان یکی از مهمترین شاخص های پیشرفت کشور با مولفه های نظیر مسئولیت پذیری، آگاهی بخشی، اعتماد به توانایی، نوآوری و خلاقیت، مشارکت و... جملگی می بایست جهت

ارتقای توان داخلی مورد استفاده قرار گیرد که این امر نیاز به حمایت ها و ورود صنعت به واسطه شهرکهای صنعتی جهت رشد و ارتقای آن مناطق است. "وجود شهرکهای صنعتی و کارخانجات در مناطق کمتر توسعه یافته می تواند باعث برقراری رابطه و ایجاد انگیزه و بهره برداری افراد و اهالی آن مناطق جهت توسعه موقعیت خود و منطقه گردد. شهرکهای صنعتی اطراف مناطق کمتر توسعه یافته باعث انگیزه جهت تولید و همچنین به کارگیری خلاقیت جهت عرضه آن که خود باعث اشاعه فرهنگ آن منطقه می گردد. نوسازی و توسعه، به وسیله آموزش و همچنین پرورش افرادی که با تفکر و خلاقیت خود باعث پیشرفت و توسعه مناطق کمتر توسعه یافته می گردند می تواند ایجاد شود" (قربانپور، ۱۳۸۹: ۲۰).

ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه برای تقویت ساختاری خود باید صنایع روستایی را توسعه دهد زیرا که این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردارند، به طوریکه رشد و توسعه بخش کشاورزی افزایش درآمد و سطح رفاه روستائیان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد و گسترش صنایع در مناطق عشایری و روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی وسیع و همه جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیتهای کشاورزی در مناطق روستایی از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی و عشایری کشور می باشد. این تحقیق با هدف کلی بررسی و شناخت تاثیرات اجتماعی - اقتصادی شهرک صنعتی منطقه عشایری مسجد سلمیان و اهدافی مانند بررسی تاثیر اقتصادی و تاثیر اجتماعی توسعه صنعتی بر منطقه مورد بررسی قرار گرفت.

ملاحظات تجربی

مطالعات بسیاری در زمینه اثرات صنعتی شدن بر مناطق روستایی و همینطور اثرات استقرار شهرکهای صنعتی انجام شده که مورد نقد و بررسی قرار گرفته.

قربانپور (۱۳۸۹) در تحقیق بررسی اثرات اقتصادی - اجتماعی شهرک های صنعتی در توسعه روستایی مطالعه موردی: شهرستان سواد کوه نتیجه می گیرد در تحلیل عاملی اثرات ایجاد شهرک صنعتی بر توسعه روستایی این نتیجه به دست آمد که اثرات مثبت اقتصادی این شهرک ها مهم ترین اثر بوده است و این نشان می دهد که ایجاد شهرک صنعتی برای شهرستان سواد کوه که یکی از شهرستان های بسیار محروم استان مازندران می باشد ضروری می باشد.

نعیمی (۱۳۸۹) در تحقیق بررسی اثرات قطب های صنعتی شهرستان اراک بر توسعه روستایی بخش مرکزی نتیجه می گیرد ایجاد شهرکهای صنعتی باعث افزایش درآمد روستائیان شده است امام تنوع منابع درآمدی افراد کاهش یافته است. همچنین مهاجرت افراد بعد از اشتغال به شهرها زیاد شده است، رضایت شغلی شاغلان بعد از اشتغال افزایش پیدا کرده است، شاغلان بعد از اشتغال از آموزش فنی و حرفه ای برخوردار شده اند. شاید ایجاد شهرک صنعتی تاثیر مثبتی بر بهره مندی افراد از بیمه تامین اجتماعی و درمانی داشت. نعیمی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که اشتغال در شهرک و بهره مندی شاغلان از امکانات بهداشتی و درمانی رابطه معناداری باهم دارند. الگوی مصرف شاغلان بعد از اشتغال در شهرک تغییر یافته و شاغلان بعد از اشتغال مصرف بیشتری داشته اند. و اما در مورد اثرات بد زیست محیطی بر سلامتی شاغلان بعد از اشتغال نعیمی در تحقیق خود این فرضیه را تایید نمود در واقعه ایجاد شهرک صنعتی بر سلامتی شاغلان تاثیر گذاشته است.

حاتمی نژاد، ابوبکری، احمدی، نایب زاده، حسین، طاهر، افسانه، فرشته، (۱۳۸۹) در تحقیق سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران مطالعه موردی: (شمال غرب کشور، شهرستان های جنوبی استان آذربایجان غربی) نتیجه می گیرند بررسی سطح بندیهای انجام گرفته از استان های کشور در مقیاس کلان نشان از توسعه نیافتگی استان آذربایجان غربی در مقایسه با

سایر استان های کشور را دارد. توسعه نیافتگی در مقیاسی خردتر نیز خود را نمایان ساخته و اختلاف فاحشی بین شهرستان های جنوبی استان از نظر توسعه صنعتی مشاهده می شود.

اخوان (۱۳۸۶) در عملکرد شهرکهای صنعتی در استان گلستان و ارائه راهکار اجرایی برای بهبود آنها نتیجه می گیرد از طریق فعالیتهای صنعتی در شهرکهای صنعتی در فهرست اولویت اول براساس معیار تلفیقی می توان با توجه به امکانات محدود موجود، در زمان کوتاه تری بیشترین بازدهی را ایجاد کرد، بنابراین شناسایی واحدهای صنعتی فعال در شهرکهای صنعتی در اولویت اول در استان و ظرفیتهای تولید آنها و رفع تنگناهای مالی یا مشکلات نقدینگی کوتاه مدت آنها برای افزایش سقف تولیداتشان دست کم به میزان ظرفیتهای اسمی این صنایع، می تواند اولین گام در راستای تغییر در سیاستهای صنعتی منطقه باشد. نصیری (۱۳۸۶) در تحقیق صنایع روستایی عامل تأثیر گذار بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی نتیجه می گیرد این پژوهش، با بهره گیری از روش های آماری، تأثیر صنایع روستایی بر شاخص های مورد نظر در نواحی روستایی سنجیده شده و یافته ها حاکی از آن است که بین شاخص ها و ایجاد صنایع رابطه ای معنی دار وجود دارد.

مرادی (۱۳۸۴) در تحقیق جایگاه صنایع در فرایند صنعتی سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند نتیجه می گیرد توسعه بخش کشاورزی در محدوده مورد مطالعه به دلیل محدودیت های اکولوژیک به ویژه کمبود منابع آب با مشکل جدی مواجه است. در عوض بخش صنعت به دلیل سابقه طولانی و وابستگی کمتر به شرایط اکولوژیک و نیز دسترسی به بازارهای گسترده تر امکان بیشتری برای توسعه دارد. وجود بیش از ۱۰/۴ درصد نیروی بیکار و جمعیت روز افزون در بخش کشاورزی از یک طرف و کمبود سرمایه و منابع اعتباری از سوی دیگر، نیاز به گسترش فعالیتهای اشتغال زا را بیش از پیش ضروری ساخته است. قالیبافی با توجه به ویژگی هایی نظیر اشتغال زایی به ویژه برای زنان سرمایه گذاری کم، سادگی تکنیک و... بیش از هر فعالیت تولیدی دیگر با شرایط کنونی جامعه روستایی ناحیه مطابقت دارد.

پور احمد، طاهرخانی، باباخانی، احمد، مهدی، رحمان (۱۳۸۱) در تحقیق نقش نواحی صنعتی را در اشتغال و کاهش مهاجرت های روستایی با مطالعه مورد ناحیه صنعتی دستجرد نتیجه می گیرند که ایجاد فرصت های شغلی برای روستائیان موفقیت آمیز نبوده، چراکه ۶۶/۷ درصد از شاغلین را ساکنین شهرها به خود اختصاص داده اند و عده کثیری از مجموع شاغلین ناحیه صنعتی را تبعه افغانه تشکیل می دهند. همچنین یافته های تحقیق نشان داده که انگیزه مهاجرت در شاغلین کاهشی در بر نداشته است و کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها از طریق ایجاد فرصت های شغلی به دلایل مختلف به طور کامل تحقق نیافته است. بنابراین فرضیه مبتنی بر ایجاد نواحی صنعتی از طریق اشتغال زایی موجب کاهش مهاجرت روستائیان به شهر است که در ناحیه صنعتی لاسجرد تایید نمی گردد.

مطیعی لنگرودی (۱۳۸۰) در تحقیق اثرات اقتصادی و اجتماعی شهرک صنعتی مشهد در نواحی روستایی نتیجه می گیرد صنایع کوچک روستایی از بخش های مهم اقتصاد ایران است که مورد توجه سیاستگذاران، برنامه ریزان و مردم می باشد. این صنایع قابلیت بالایی در رفع مشکل بیکاری، توزیع عادلانه درآمد و کاهش شکاف مناطق شهری و روستایی داراست.

طاهرخانی (۱۳۸۰) در تحقیق نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (نواحی صنعتی روستایی در استان مرکزی) نتیجه می گیرد ارزیابی تبیین جایگاه استقرار صنعت در روستا در قالب ایجاد نواحی صنعتی روستایی با استفاده از اهداف مشخص شده در توسعه پایدار بر حسب مورد در استان مرکزی مورد مطالعه و آزمون قرار گرفته است که با لحاظ نمودن اثرات اجتماعی و اقتصادی صنعتی شدن روستا به این نتایج منتج گردیده است:

تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و کالای مصرفی بادوام و میزان مشارکت از پیامدهای بارز ایجاد نواحی صنعتی روستایی بوده اند. معذالک دستیابی به الگوی بهینه بخصوص در زمینه ایجاد فرصتهای شغلی برای روستائیان بازاریابی و تحرک محلی و منطقه ای در جهت استفاده از منابع و آموزش های فنی و حرفه ای نیازمند بازنگری گسترده است.

ملاحظات نظری

چارچوب نظری در پژوهش حاضر ترکیبی از نظریه های توسعه صنعتی - وابستگی - نوسازی - توسعه اقتصادی - توسعه اجتماعی - ایزنشتاد - مارکس - گیدنز - شومپتر - فرانسوا پرو - تافلر - دورکیم و والرشتاین - و کونن می باشد. از نظر گیدنز "صنعتی شدن امروزی در نتیجه انقلاب صنعتی که در قرن هجدهم آغاز گردید نخست در انگلستان پدید آمد. انقلاب صنعتی در واقع نامی است که به اختصار به مجموعه پیچیده ای از تغییرات تکنولوژی اطلاق گردیده است که وسایل کسب معیشت مردم را تحت تاثیر قرار داده اند. این تغییرات شامل اختراع ماشینهای جدید، مهار کردن منابع نیرو برای تولید و استفاده از علم برای بهبود روشهای تولید بوده است. از آنجا که اکتشافات و اختراعات در یک حوزه منجر به اکتشافات و اختراعات بیشتر در حوزه های دیگر می گردند آهنگ نوآوری تکنولوژی در جوامع صنعتی در مقایسه با شکل های سنتی نظام اجتماعی بی نهایت سریع است" (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۶).

"صنعت و صنعتی شدن پدیده ای است که بیش از سه قرن از عمر آن نمی گذرد ولی تاثیرات شگرفی بر انسان و محیط زندگی او گذاشته است. تافلر معتقد است که صنعت، موج جدیدی در زندگی اجتماعی بشر آغاز کرده، موجی که با خود تجربیات جدیدی برای زندگی آدمی به ارمغان آورده است.

این موج که از آن به عنوان انقلاب صنعتی نیز یاد می کنند با تولدش در اروپای غربی و رشد و بسط بسیار سریع آن در سراسر جهان بویژه در نیمه دوم قرن بیستم عملاً به عنوان یکی از رویکردهای بسیار کلیدی در حوزه توسعه و رشد کشورها، بخصوص کشورهای در حال توسعه قلمداد شد" (تافلر، ۱۳۸۰: ۱۰۶).

به عقیده مارکس "کل روابط تولیدی یعنی آن روابطی که انسان ها ضمن کاربرد مواد خام و فنون موجود برای دستیابی به هدف های تولیدشان با یکدیگر برقرار می سازند، همان بنیادهای واقعی که روساختار فرهنگی کل جامعه بر روی آن ساخته می شود. منظور مارکس از روابط تولیدی تنها تکنولوژی نیست زیرا به نظر او گرچه تکنولوژی نقش مهمی دارد اما روابط اجتماعی که مردم از طریق اشتراک در زندگی اقتصادی با یکدیگر برقرار می سازند اهمیت درجه یکی دارند، کارگاه جدید که به کاربرد ماشین وابسته است در واقع یک رابطه تولیدی اجتماعی و یک مقوله اقتصادی است" (کوزر، ۱۳۸۷: ۷۸).

مارکس بر این باور بود که انسانها اساساً مولدند، یعنی برای زنده ماندن نیاز به این دارند که در طبیعت و بر روی طبیعت کار کنند. "آنها طی یک چنین کاری پوشاک، خوراک، سرپناه و ضروریات دیگری را که برای زندگی کردن نیاز دارند، تولید می کنند. تولیدگری انسانها به یک شیوه کاملاً طبیعی انجام می گیرد و آنها از این طریق کششهای غریزی خلاقانه شان را متجلی می کنند. وانگهی این کششهای غریزی به صورتی هماهنگ با انسانهای دیگر بیان می شود. آنها برای تولید آنچه که برای زنده ماندن به آن نیاز دارند، ناچارند که با یکدیگر کار کنند" (ریترز، ۱۳۷۴: ۳۰).

به نظر شومپتر تحول دانش فنی هسته مرکزی رشد اقتصادی است. "افزایش مستمر وسایل تولید و پس انداز ملی در طی زمان، بدون تردید یکی از عوامل مهم توجیه تاریخ اقتصادی در طی قرن هاست. اما این عامل تحت الشعاع این حقیقت قرار دارد که پیشرفت اقتصادی، بیشتر مرهون اتخاذ روش های جدید برای بهره برداری از منابع موجود و ساختن چیزهای جدید است و ربطی به کم یا زیاد شدن وسایل تولید و پس انداز ندارد" (از کیا، ۱۳۸۷: ۲۲۳ تا ۲۲۶).

توجه شومپتر به اتخاذ روش های جدید برای بهره برداری از منابع موجود است. شومپتر معتقد است که "با ایجاد ابزار جدید و اتخاذ روش های نوین، پیشرفت اقتصادی میسر می شود. در ادامه چنین بحثی است که شومپتر توجه را به «اختراعات» و «ابداعات»

جلب می کند. شومپتر «اختراع» را کشف و خلق ابزار جدید و «ابداع» را به کارگیری ابزار جدید در فرایند تولید جامعه می داند و اختراع را کار «مخترع» و ابداع را وظیفه «کارفرما» می داند (از کیا، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

فرانسوا پرو معتقد بود که واقعیت توسعه صنعتی این است که توسعه همه جا در یک زمان اتفاق نمی افتد بلکه آن ابتدا و با شدت متفاوت در قطبهای توسعه ایجاد شده و سپس در کانالهای مختلف پخش و نهایتاً کل اقتصاد را تحت تاثیر قرار می دهد. در نظریه پرو صنایع یا کارخانه هایی با عملکردهای اساسی، استعداد و رشد قوی، تشکیل دهنده قطبهای رشد می باشند.

"گسترش این دسته از فعالیتهای مرتبط باعث دو اثر می گردد. یک دسته که اثرات تجمعی نامیده می شوند و به واسطه اینکه واحدهای پیشرو به جذب فعالیتهای مکمل می پردازند و بدین ترتیب امکانات فزاینده ای برای هزینه های پایین تر در یک محل بوجود می آورند ایجاد می شوند. دسته دیگر که اثرات اتصالی خواننده می شود و در نتیجه ایجاد یک شبکه حمل و نقل که عمدتاً در خدمت واحدهای پیشرو و فعالیتهای وابسته بوده پدید می آید و دسترسی سایر تولید کنندگان را در طول این شبکه به بازارهایی که تاکنون به روی آنها بسته بوده میسر می سازند. فعالیتهای دسته اول باعث ایجاد قطبهای رشد شده و فعالیتهای دسته دوم توزیع فضایی مراکز پیرامونی را متاثر می کند. بدین ترتیب شبکه ای پدید می آید که قطب رشد مراکز آن محدوده تحت تاثیر فعالیتهای قطب رشد حوزه نفوذ آن را تشکیل می دهد" (نعیمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

دورکیم جامعه شناس فرانسوی در اثر معروف خود به نام "تقسیم کار اجتماعی" که عنوان رساله دکترای او هم بود، در پی بیان چگونگی گذار جوامع از مرحله سنتی به مرحله صنعتی است. "دورکیم واقعیت اصلی در گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را از میان رفتن پیوندهای کهنه مبتنی بر همبستگی مکانیکی می داند. این پیوندها افراد را در اجتماعات ماقبل صنعتی، که دارای بافت متجانس هستند، به یکدیگر مربوط می سازد. در جامعه سنتی پیوندهای بین افراد بر اساس مجاورت مکانی و آشنایی شخصی است و با ظهور دگرگونی هایی همراه با پیدایی جامعه نو و جدید و بویژه شهرنشینی از هم می گسلد" (یان روکس برو، ۱۳۷۸: ص ۱۵).

ایزنشتاد می گوید برای حفظ و تداوم نوسازی باید میزانی از قابلیت انعطاف ساختی وجود داشته باشد. او عنصر انطباق را به عنوان مولفه سوم بر عناصر تمایزات ساختی و هماهنگی ساختی اضافه می کند. "به نظر ایزنشتاد در کشورهای صنعتی این مولفه (انطباق) حضور دارد و بنابراین جوامع مدرن خلاف جوامع سنتی توانایی پذیرش تحولات و دگرگونی ها را دارند درحالی که کشورهای جهان سوم از چنین توانی برخوردار نیستند. در اینجاست که ایزنشتاد بر نقش رهبری در نهادی شدن نوسازی و برخورداری از یک ساخت سیاسی تثبیت شده تاکید دارد. در نهایت در نظر او نوسازی به معنی استقرار واقعیت های تازه و وسیع تر سیاسی- اجتماعی است که علایم ظهور آنها با اصلاحات غیر سنتی مترداف است و چارچوب سازمانی این واقعیت های اجتماعی فراسوی واحدهای محلی می باشد و بر ملاک های کلی تر عام گرایانه تاکید دارد" (از کیا، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

والرشتاین عوامل داخلی و خارجی توسعه را یکباره کنار گذاشته و نظام جهانی را به عنوان واحد تحلیل خود در نظر می گیرد. او معتقد است که هیچ یک از این دو نظام اجتماعی نیست و ما فقط در چارچوب نظام های اجتماعی می توانیم از دگرگونی اجتماعی سخن بگوییم. در این چارچوب تنها نظام اجتماعی، نظام جهانی است (از کیا، ۱۳۸۷: ۳۰۵).

کوئن می گوید: به طور کلی میزان تحصیلات فرد به میزان درآمد او بستگی دارد. کارکرد اولیه تحصیلات رسمی از آن جهت که به تحرک اجتماعی مرتبط است این است که مهارتهای لازم را برای ورود فرد به بازار کار فراهم می کند. تکمیل تحصیلات به طور مناسب فرد را در رقابت با دیگران برای دست یافتن به یک شغل خاص در یک موقعیت ممتاز قرار می دهد. در آن رده های شغلی که به افرادی با تحصیلات بالا نیاز دارد متقابلاً دستمزدهای بالایی پرداخت می شود. در واقع همه حرفه ها به شخصی نیاز دارند که قبل از احراز آن حرفه سطح معینی از تحصیلات را گذرانده باشد. بعلاوه افرادی برای احراز سطوح مدیریت انتخاب می شوند که دارای تحصیلات عالی باشند (کوئن، ۱۳۸۴: ۲۶۶).

توسعه اقتصادی و اجتماعی در اثر رشد و پیشرفت صنایع که همراه با خود رشد تولیدات را دارد باعث بالا رفتن سطح عمومی زندگی می گردد. رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در یک منطقه مستلزم داشتن یک پشتیبان قوی جهت هماهنگی و هدایت کردن برای پیشرفت می باشد، توسعه صنعت به صورت برنامه ریزی شده و حمایت های بیشتر می تواند موجب انگیزه افراد منطقه جهت رفتن به سمت توسعه گردد و با آگاهی دادن افراد نسبت به صنعت و اثرات آن در زندگی آنها می توان به رشد صنایع، سازمان دادن به تولیدات، چگونگی بهره برداری، سهمین شدن در استفاده از تولیدات و همچنین دگرگونی در کل منطقه و زندگی افراد آن کمک نمود.

نظریه پردازان مکتب وابستگی معقدند که توسعه نیافتگی محصول ساخت و یا ویژگی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نمی باشد، بلکه تا حد زیادی نتیجه تاریخی ارتباط گذشته و مداوم اقتصادی میان کشورهای توسعه نیافته (اقمار) و کشورهای توسعه یافته (مادر) می باشد (ازکیا، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

سرریل بلک نوسازی را فرآیندی تاریخی می بیند که طی آن به سرعت نهادها کارکردهای متنوع و متغیری را به واسطه افزایش بی سابقه شناخت انسان و کنترل بر نیروی های طبیعت که همراه با انقلاب علمی است می پذیرند. همچنین اگر با دید جامعه شناسی وبری به نوسازی توجه کنیم نوسازی با فرآیند عقلانیت و عقلانی شدن جوامع ارتباط تنگاتنگی پیدا می کند چرا که در این دیدگاه نوسازی و تجدید حاصل عقلانی شدن جوامع انگاشت می شود. نوگرایی یک خصلت اجتماعی ساختاریافته از طریق پویای های دنیوی شدن، عقلانی شدن و روشنگرایی است (ازکیا، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

فرضیه ها

- به نظر می رسد شهرکهای صنعتی باعث توسعه صنعتی (صنعتی شدن) شده اند.
- به نظر می رسد توسعه صنعتی باعث توسعه اقتصادی شده است.
- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث ایجاد زیرساختها شده است.
- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث بهره برداری از منابع موجود شده است.
- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث اشتغال زایی شده است.
- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث ایجاد درآمد شده است.
- به نظر می رسد توسعه صنعتی باعث توسعه اجتماعی شده است.
- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث ارتقای سطح زندگی شده است.
- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث گسترش ارتباطات شده است.
- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث تحرک اجتماعی شده است.
- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث مشارکت شده است.
- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث بالا رفتن سطح تحصیلات شده است.

روش شناسی

جامعه آماری این تحقیق شامل افراد منطقه عشایری مسجد سلیمان و همچنین به دلیل بررسی دقیق اثرات توسعه و رفاه افراد منطقه اندیکا و لالی که برابر با ۱۴۸ هزار نفر بودند نیز شامل می شد. از این میان تعداد ۶۰۰ نفر به عنوان جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شدند.

نمونه گیری به روش نمونه گیری سهمیه ای انجام شد. برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه استفاده شد که روایی آن توسط استاد راهنما و مشاور مربوطه تایید و پایایی مقیاس های آن نیز با محاسبه آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت و داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته ها

یافته های توصیفی

در پژوهش حاضر ۵۳/۷ درصد پاسخگویان مرد و ۴۵/۵ درصد از آنها زن می باشند. همچنین بیشترین فراوانی برای گروه ۱۷ تا ۲۵ سال با ۳۲/۶ درصد و ۲۶ تا ۳۵ سال با ۲۹/۴ درصد و کمترین فراوانی برای گروه سنی ۶۶ سال به بالا با ۴/۲ درصد می باشد. وضعیت شاخصهای گرایش مرکزی نشان می دهد میانگین سنی پاسخ گویان ۳۴ سال و میانه ۳۰ سال و حداقل پاسخ گو ۱۷ ساله و حداکثر ۹۹ ساله بوده است. همچنین تعداد ۳۴/۶ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۵/۲ درصد از پاسخگویان متاهل می باشند. همچنین نشان داده شد تعداد ۱۵/۱ درصد پاسخگویان دارای یک فرزند، تعداد ۱۲/۹ درصد پاسخگویان دارای دو فرزند، تعداد ۹/۱ درصد پاسخگویان دارای سه فرزند، تعداد ۶/۶ درصد پاسخگویان دارای چهار فرزند، تعداد ۵/۶ درصد پاسخگویان دارای پنج فرزند، تعداد ۵/۲ درصد پاسخگویان دارای شش فرزند، تعداد ۲/۲ درصد پاسخگویان دارای هفت فرزند، تعداد ۲/۶ درصد پاسخگویان دارای هشت فرزند و ۰/۲ درصد پاسخگویان داری نه فرزند می باشند.

در پژوهش حاضر حدود ۳۱/۴ درصد در روستا متولد شده اند و ۶۷/۸ درصد نیز در شهرستان متولد شده اند. همچنین بیشتر پاسخ گویان منزل شخصی دارند با ۵۲/۵ درصد و ۳۳/۶ درصد در منزل والدین زندگی می کنند و ۹/۳ درصد منزل استیجاری دارند و ۱/۸ درصد در منزل سازمانی سکونت دارند. همچنین ۶۳/۸ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات دیپلم و کمتر می باشند. و ۱۴/۷ درصد فوق دیپلم و ۱۷/۴ درصد لیسانس و ۴ درصد نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر می باشند. همچنین ۴۳/۳ درصد شاغل و بیش از ۵۶ درصد غیر شاغل می باشند. همچنین ۵۳/۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۰۰ هزار تومان درآمد ماهیانه دارند و ۹/۹ درصد از افراد پاسخگو دارای درآمد ماهیانه بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ هزار تومان می باشند. و ۱۳/۷ درصد از افراد پاسخگو دارای درآمد ماهیانه بین ۳۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان می باشند. و ۱۲/۳ درصد از افراد پاسخگو دارای درآمد ماهیانه بین ۴۰۱ تا ۵۰۰ هزار تومان می باشند و ۱۰/۳ درصد از افراد پاسخگو دارای درآمد ماهیانه بیش از ۵۰۱ هزار تومان می باشند.

در پژوهش حاضر اکثر پاسخ گویان از وجود شهرک های صنعتی اطلاع دارند (۹۳/۷ درصد خیلی زیاد و ۶/۳ درصد زیاد). همچنین اکثر پاسخ گویان معتقدند شهرک های صنعتی در منطقه تاثیر گذار بوده اند. همچنین ۹۸/۶ درصد پاسخویان به وجود شهرک های صنعتی تمایل دارند. همچنین بیش از ۹۴ درصد پاسخگویان و اقوام آنها از وجود شهرک های صنعتی رضایت کامل دارند. همچنین نمونه مورد مطالعه معتقدند شهرک های صنعتی بر بهبود کیفیت (امکانات رفاهی، عمرانی و زیرساختی) تاثیر خیلی زیادی داشته اند (۸۸/۵ درصد) و ۶/۶ درصد معتقدند تا حدودی تاثیر گذار بوده است و ۱/۶ درصد نیز معتقدند شهرک های صنعتی تاثیر خیلی کمی داشته اند. همچنین معتقدند شهرک های صنعتی از نظر تغییرات زیربنایی (دسترسی به راه، جاده، امکانات بهداشتی، مراکز پزشکی، مراکز آموزشی، آب آشامیدنی، مراتع، برق و گاز) تاثیر خیلی زیادی داشته اند (۷۶/۷ درصد). همچنین معتقدند که بعد از ایجاد شهرک های صنعتی از نظر تغییرات مواد غذایی (انواع نان، گوشت قرمز، مرغ، ماهی، برنج، روغن حیوانی، روغن نباتی، میوه و سبزیجات، لبنیات، تنقلات) افزایش یافته است. همچنین معتقدند که بعد از ایجاد شهرک صنعتی کالاهای مصرفی بادوام خریداری شده توسط آنها افزایش داشته است (۶۱ درصد). همچنین پاسخگویان معتقدند شهرک های صنعتی از نظر اثرات اقتصادی ایجاد اشتغال ۹۳/۴ درصد، افزایش درآمد ۹۲/۲ درصد، افزایش قدرت خرید ۸۹/۹ درصد، افزایش ارزش افزوده ۹۱/۵ درصد، افزایش حمل و نقل ۹۴/۲ درصد، افزایش راه و جاده ۹۴/۲ درصد، افزایش زمین و مراتع ۹۴ درصد، افزایش رشد تولیدات ۹۴/۲ درصد و افزایش طرحهای عمرانی ۹۳/۶ درصد تاثیر خیلی زیادی داشته است. همچنین پاسخگویان

معتقدند شهرک های صنعتی از نظر اثرات اجتماعی افزایش امکانات رفاهی ۹۴/۲ درصد، افزایش امکانات آموزشی ۹۳/۶ درصد، افزایش امکانات خدماتی ۹۳/۶ درصد، افزایش امکانات بهداشتی ۹۳/۸ درصد، کاهش مهاجرت ۹۳/۲ درصد، کاهش فساد و افزایش سلامت ۹۳/۸ درصد، گسترش ارتباطات ۹۴/۴ درصد، افزایش مشارکت ها ۹۴ درصد، افزایش سطح معلومات ۹۳/۸ درصد، ارتقای سطح زندگی ۹۴/۴ درصد، افزایش تحرکات اجتماعی ۹۳/۴ درصد تاثیر خیلی زیادی داشته است.

یافته های استنباطی

فرضیه اصلی اول: به نظر می رسد توسعه صنعتی باعث توسعه اقتصادی شده است.

جدول ۱: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه صنعتی و توسعه اقتصادی

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۳۸	۰,۴۹	همبستگی معنی دار وجود دارد

با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۵/۰ می توان استدلال کرد که توسعه اقتصادی که از مولفه های اصلی توسعه صنعتی است دارای همبستگی و رابطه معنی دار می باشد.

- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث ایجاد زیرساختها شده است.

جدول ۲: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اقتصادی و ایجاد زیرساخت

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۳۶	۰,۶۵	همبستگی معنی دار وجود دارد

در آزمایش فرض رابطه علی تاثیر توسعه اقتصادی بر ایجاد زیر ساختها از آزمون ضریب تاثیر d سامرز استفاده شده است. با توجه به ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۵/۰ می توان استدلال کرد که توسعه اقتصادی باعث ایجاد زیر ساختها می شود.

- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث بهره برداری از منابع موجود شده است.

جدول ۳: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اقتصادی و بهره برداری از منابع

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۰۶	۰,۴۳	همبستگی معنی دار وجود دارد.

بهره برداری از منابع یکی از مولفه های توسعه اقتصادی می باشد که با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز استدلال می شود که توسعه اقتصادی باعث نیاز به بهره برداری از منابع موجود می گردد.

- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث اشتغال زایی شده است.

جدول ۴: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اقتصادی و اشتغال

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۲۱	۰,۶۰	همبستگی معنی دار وجود دارد.

با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز و ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۰/۰۵ می توان استدلال کرد که بین توسعه اقتصادی و اشتغالزایی رابطه معنی داری وجود دارد.

- به نظر می رسد توسعه اقتصادی باعث ایجاد درآمد شده است.

جدول ۵: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اقتصادی و درآمد

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۰۰	۰,۵۸	همبستگی معنی دار وجود دارد

با توجه به رابطه علی تاثیر توسعه اقتصادی بر افزایش درآمد که از آزمون ضریب تاثیر d سامرز استفاده شده است می توان بیان کرد که درآمد از مولفه های اصلی توسعه اقتصادی در بین عشایر مسجد سلیمان رابطه مطلوب وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم: به نظر می رسد توسعه صنعتی باعث توسعه اجتماعی شده است.

جدول ۶: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه صنعتی و توسعه اجتماعی

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
d ضریب تاثیر سامرز	۰/۰۳۴	۰,۴۶	همبستگی معنی دار وجود دارد.

با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۰/۰۵ می توان استدلال کرد که توسعه اجتماعی که از مولفه های اصلی توسعه صنعتی است دارای همبستگی و رابطه معنی دار می باشد.

- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث ارتقای سطح زندگی شده است.

جدول ۷: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اجتماعی و ارتقای زندگی

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
ضریب تاثیر سامرز d	۰/۰۲۰	۰,۳۹	همبستگی معنی دار وجود دارد

ارتقا سطح زندگی می شود از آزمون ضریب تاثیر d سامرز استفاده شده است. باتوجه به ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۵/۰ می توان استدلال کرد که بین توسعه اجتماعی و ارتقا سطح زندگی رابطه معنی دار وجود دارد.

- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث گسترش ارتباطات شده است.

جدول ۸: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اجتماعی و گسترش ارتباط

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
d ضریب تاثیر سامرز	۰/۰۴۱	۰,۴۳	همبستگی معنی دار وجود دارد.

درآزمایش فرض رابطه علی تاثیر توسعه اجتماعی بر گسترش ارتباطات از آزمون ضریب تاثیر d سامرز استفاده شده است. باتوجه به ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر ۵/۰ می توان استدلال کرد که توسعه اجتماعی باعث گسترش ارتباطات می شود.

- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث تحرك اجتماعی شده است.

جدول ۹: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اجتماعی و تحرك اجتماعی

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
d ضریب تاثیر سامرز	۰/۰۳۸	۰,۴۷	همبستگی معنی دار وجود دارد.

با توجه به ضریب تاثیر d سامرز تحرك اجتماعی به عنوان مولفه توسعه اجتماعی دارای همبستگی و رابطه معنی دار است.

- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث مشارکت شده است.

جدول ۱۰: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اجتماعی و مشارکت

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
d ضریب تاثیر سامرز	۰/۰۱۱	۰,۵۳	معنی دار وجود دارد.

با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز می توان استدلال کرد که بین توسعه اجتماعی و افزایش مشارکت رابطه معنی دار وجود دارد.

- به نظر می رسد توسعه اجتماعی باعث بالا رفتن سطح تحصیلات شده است.

جدول ۱۱: آزمون d سامرز، رابطه بین توسعه اجتماعی و سطح تحصیلات

نوع آزمون	سطح معنی داری	ضریب	نتیجه آزمون
d ضریب تاثیر سامرز	۰/۰۰۰	۰,۵۸	معنی دار وجود دارد

با توجه به آزمون ضریب تاثیر d سامرز و ارزش ضریب بدست آمده تحت درجه آزادی یک و سطح گویای زیر $0/0$ می توان استدلال کرد که بین توسعه اجتماعی و بالا رفتن سطح تحصیلات همبستگی و رابطه معنی دار وجود دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به تحلیل عاملی که در این مطالعه هدف استفاده از تحلیل عاملی، تلخیص اثرات توسعه صنعتی بر وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده است و بدین منظور تعداد ۹ اثر اقتصادی و ۱۱ اثر اجتماعی با توجه به مطالعات پیشین استخراج و در قالب مقیاس لیکرت در اختیار نمونه مورد مطالعه قرار داده شد تا دیدگاه خود را نسبت به این اثرات و میزان آنها بیان کنند. تحلیل عاملی کمک می کند تا این اثرات در چندین عامل کلی دسته بندی شده و بتوان اثرات مثبت و منفی اقتصادی و اجتماعی توسعه صنعتی را شناسایی نموده و درصد تاثیر هر یک را بیان نمود.

اثرات اجتماعی مثبت: اولین اثر مهم ایجاد شهرک صنعتی در این تحقیق اثرات مثبت اجتماعی می باشد که این اثرات در برگیرنده افزایش امکانات رفاهی، افزایش امکانات آموزشی، افزایش امکانات بهداشتی، افزایش امکانات خدماتی و تجاری، افزایش امکانات توسعه حمل و نقل، ارتقای طبقات اجتماعی، افزایش سطح معلومات افراد و افزایش مشارکتها در منطقه و در نهایت رضایت افراد می باشد.

اثرات اقتصادی مثبت: دومین اثر ایجاد شهرک صنعتی در این تحقیق اثرات مثبت اقتصادی می باشد که این اثرات در برگیرنده اثرات از جمله خرید کالاهای با دوام مصرفی، افزایش قدرت خرید، افزایش اشتغال، افزایش سرمایه گذاری می باشد. اثرات اجتماعی منفی: اثرات اجتماعی منفی سومین اثرات ایجاد شهرک صنعتی می باشند که در برگیرنده اثراتی مانند مهاجرت و کاهش علاقه افراد منطقه به دامداری و دامپروری می باشد.

اثرات اقتصادی منفی: چهارمین اثر ایجاد شهرک صنعتی در منطقه اثر منفی اقتصادی که در برگیرنده اثرات منفی مانند کاهش سرمایه گذاری در بخش دامداری و دامپروری، کاهش زمین ها و مراتع جهت کوچ احشام و زمین های زیر کشت می باشد. به طور کلی اثرات ایجاد شهرک صنعتی دارای اثرات مثبتی بیشتری نسبت به اثرات منفی می باشد و لذا به نظر می رسد که ایجاد شهرک صنعتی دارای اثرات مثبت نسبت به اثرات منفی هستند.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در تحقیقات پیشین صورت گرفته و نظریه های ارائه شده در زمینه های توسعه که استفاده از آنها موجب بالا رفتن کیفیت تحقیق حاضر گردیده است که از آن جمله می توان به نظریه های توسعه اجتماعی (نوآوری و تکنولوژی در جوامع صنعتی، اشتراک و زندگی بین افراد، ارتقای وضعیت هایی برای تعامل مردم، پذیرش تحولات دگرگونی، استقرار واقعیت های تازه و وسیعتر اجتماعی) توسعه اقتصادی (رویکرد کلیدی در حوزه توسعه و رشد کشورها و تاثیرات بر انسان و محیط زندگی، صنایع و کارخانه ها با عملکرد اساسی و رشد قوی تشکیل دهنده قطبهای رشد) نوسازی (پیدایش مشاغل و دستگاههای پیچیده، آموزش و پرورش نو و انواع نوین اجتماعات در ساختارهای اجتماعی) وابستگی (قطع وابستگی از طریق اصلاح و عادلانه شدن نظام اقتصاد) توسعه صنعتی (موج جدید در زندگی بشر) اشاره نمود و همچنین طی بررسی های متعدد توسط گروه های مختلف پژوهشی و دانشگاهی نتایج موثری در زمینه های توسعه بخش روستایی از قبیل توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی استان های کشور، توسعه مثبت و منفی اقتصادی و اجتماعی، چگونگی افزایش درآمد، افزایش یا کاهش مهاجرت در مناطق روستایی، رضایت و یا عدم رضایت شغلی، تاثیرات ایجاد شهرک صنعتی بر زیرساخت، عمران و فرهنگ جوامع مورد مطالعه و همچنین روند صنعتی شدن و چگونگی تاثیر صنعتی شدن بر روند زندگی روستاییان ایجاد نموده که جملگی این پژوهش ها در جهت پیشبرد و

کمک به توسعه بخش روستایی و مناطق کمتر توسعه یافته موثر می باشد و زمینه و بستر مناسبی جهت توسعه نواحی روستایی و کمتر توسعه یافته کشور را ایجاد می نماید.

با توجه به نتایج ذکر شده در تحقیق به طور خلاصه می توان بیان کرد که اکثریت افراد منطقه مردان جوان می باشند که دارای سطح سواد دیپلم یا کمتر که اکثر آنها متولد شهرستان می باشند و با توجه به نوع زندگی افراد منطقه که عمدتاً کوچ رو بودند و همچنین با توجه به اینکه با ایجاد شهرک صنعتی الگو در زندگی افراد این منطقه تغییر کرده و به یکجا نشینی روی آورده اند و اکثر آنها دارای خانه شخصی گردیده اند. افرادی که شاغل در شهرک صنعتی شدند از موقعیت و درآمد خوبی برخوردار گردیده اند و با توجه به وجود شهرک صنعتی از امکاناتی مانند امکانات رفاهی، بهداشتی، خدماتی، عمرانی، جاده و راه، مراکز آموزشی برخوردار گردیده اند که این امر باعث ارتقا در سطح زندگی آنها گردیده است بطوری که نوع مصرف آنها در مواد غذایی و کالاهای با دوام مصرفی تغییر کرده و رشد نموده است.

در تحلیل عاملی اثرات ایجاد شهرک صنعتی که تاثیر توسعه صنعتی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی بود این نتایج به دست آمده که اثرات مثبت اقتصادی این شهرک ها مهم ترین اثر بوده است و این نشان دهنده آن است که ایجاد شهرک صنعتی در منطقه مسجد سلیمان و برای مناطق اطراف آن ضروری بوده است، لذا نیاز است که صنعت در این مناطق گسترش یابد.

پیشنهادها

- راهکارهای اقتصادی جهت توسعه صنعت در منطقه مورد مطالعه:

بهره گیری و جذب سرمایه های کارآفرینان بومی و غیربومی در جهت استفاده بهینه از امکانات زیربنایی به منظور گسترش صنایع. افزایش بهره گیری از نیروهای مجرب و متخصص در زمینه صنایع به منظور افزایش سود آوری واحدهای تولیدی در شهرک و نواحی صنعتی.

برنامه ریزی جهت صادرات محصولات صنعتی به نقاط مختلف کشور حتی خارج از کشور.

ایجاد زمینه برای جذب سرمایه گذاران و کارآفرینان مجرب جهت تقویت مدیریت و دانش فنی واحدهای تولیدی صنعتی. بهره گیری بهینه از امکانات و زیرساخت های موجود در مناطق این چنینی همراه با جذب سرمایه به منظور ارتقا کمی و کیفی واحدهای تولیدی مستقر در شهرک ها و نواحی صنعتی

- راهکارهای اجتماعی جهت توسعه صنعت در منطقه مورد مطالعه:

مشارکت همه جانبه به منظور اجرایی نمودن برنامه های حمایتی دولت در خصوص احداث و راه اندازی و گسترش شهرک ها و نواحی صنعتی.

کاهش مهاجرت از طریق اعطای امتیازات ویژه به روستائیان شاغل در شهرک.

برنامه ریزی جهت بهره گیری از نیروهای تحصیل کرده و آموزش دیده در دستگاه ها برای تشویق و ترغیب و ارائه رهنمودهای لازم به کارآفرینان بخش صنایع.

آموزش مدیران و صاحبان واحدهای تولیدی صنعتی به منظور برطرف کردن ضعف ها با استفاده از نیروهای مجرب و متخصص.

- راهکارهای نهادی جهت توسعه صنعت در منطقه مورد مطالعه:

اعمال سیاست های نظارتی مناسب در دستگاههای ذیربط برای کنترل همه جانبه شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی اعم از راه اندازی و بهره برداری کنترل کیفیت تولید.

ایجاد زمینه لازم جهت تاسیس و بهره برداری به موقع شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی با استفاده از قوانین حمایتی دولت و ردیف های اعتباری مسخص در بخش صنایع روستایی.

اطلاع رسانی و آگاه نمودن سرمایه گذاران از ضوابط و معیارهای نحوه تاسیس و راه اندازی واحدهای تولیدی صنعتی به منظور جذب بیشتر سرمایه گذاران و کارآفرینان در نواحی روستایی و گسترش شهرک ها و نواحی صنعتی روستایی.

منابع

۱. اخوان، نظری، حسن، رسول، (۱۳۸۶)، عملکرد شهرکهای صنعتی در استان گلستان و ارائه راهکار اجرایی برای بهبود آن، مقاله پژوهشی.
۲. ازکیا، غفاری، مصطفی، غلامرضا، (۱۳۸۷)، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۳. ازکیا مصطفی؛ حبیب الله زنجانی؛ هادی برغمندی؛ سیدمحمد سیدمیرزایی (۱۳۹۳) بررسی سطح توسعه اجتماعی در شهر تهران *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره چهارم
۴. پور احمد، طاهرخانی، باباخانی، احمد، مهدی، رحمان، (۱۳۸۱)، نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت های روستایی، مطالعه موردی ناحیه صنعتی لاسجرد، مجله پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۳.
۵. پورتر، مایکل، (۱۳۸۴)، استراتژی رقابتی تکنیک های تحلیل صنعت و رقبا، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.
۶. تافلر، آلون، (۱۳۸۰)، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، فرهنگ نشر نی.
۷. حاتمی نژاد، ابوبکری، احمدی، نایب زاده، حسین، طاهر، افسانه، فرشته، (۱۳۸۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی صنعتی در مناطق ایران، مطالعه موردی شمال غرب کشور، شهرستان جنوبی استان آذربایجان غربی، مجله پژوهشی و برنامه ریزی شهری.
۸. روکس برو، یان، (۱۳۷۰)، جامعه شناسی توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران، نشر توسعه.
۹. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۱۰. شومپتر، جوزف، (۱۳۸۰)، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی.
۱۱. طاهرخانی، مهدی، (۱۳۷۹)، صنعتی شدن روستا، سنگ بنای استراتژی آینده توسعه روستایی، تهران، اداره کل طرح های صنعتی و بهره برداری جهاد کشاورزی.
۱۲. طاهرخانی، مهدی، (۱۳۷۹)، نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی: استان مرکزی، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه دکتری.
۱۳. فاضلی، محمد، (۱۳۸۹)، ارزیابی تاثیرات اجتماعی، تهران، جامعه شناسان.
۱۴. قربانپور، حوا، (۱۳۸۹)، بررسی اثرات اقتصادی- اجتماعی شهرک های صنعتی در توسعه روستایی، مطالعه موردی شهرستان سوادکوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.
۱۵. کوزر، لوئیس، (۱۳۸۷)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.
۱۶. کوئن، بروس، (۱۳۸۴)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران، سمت.
۱۷. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۶)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۱۸. مردای، محمود، (۱۳۸۴)، صنعتی سازی روستایی راهبردی برای توسعه نواحی روستایی، دانشگاه فرودسی مشهد، پایان نامه دکتری.

۱۹. مطیعی لنگرودی، سیدحسن، (۱۳۸۰)، اثرات اقتصادی- اجتماعی شهرک های صنعتی در نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرک صنعتی مشهد)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره شانزدهم، شماره ۲.
۲۰. محسنی تبریزی علیرضا ؛ فرزانه فرامرزی(۱۳۹۱) نقش صنعت نفت در توسعه اجتماعی اقتصادی شهر گچساران از دیدگاه شهروندان، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره چهارم
۲۱. نصیری، اسماعیل، (۱۳۸۶)، صنایع روستایی عاملی تاثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، نمونه تجربی روستاهای شهر بومهن، روستا و توسعه.
۲۲. نعیمی، پروین، (۱۳۸۹)، بررسی اثرات قطب های صنعتی بر توسعه روستایی، نمونه موردی شهر اراک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد.
۲۳. نوابخش مهرداد (۱۳۹۲) ضرورت احیاء سرمایه اجتماعی در توسعه فضاهای شهری، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال پنجم شماره چهارم